



بازخوانی؛ جان بولتون: کاخ سفید مثل خوابگاه دانشجویی بی نظم است

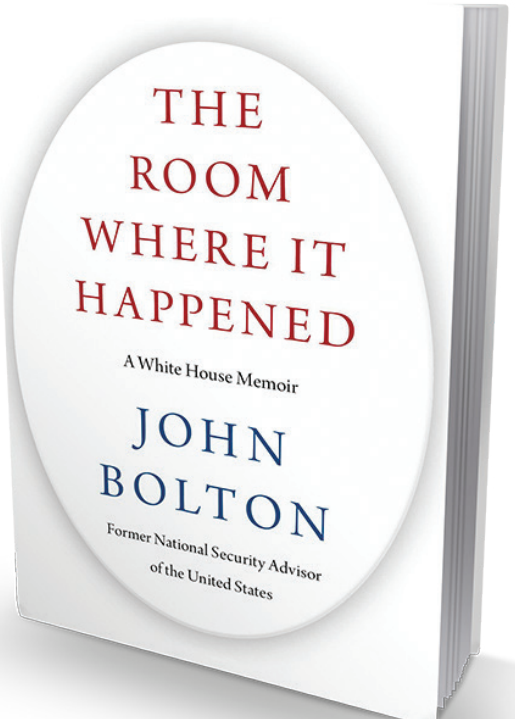
# در جست‌وجوی مقصران مالی-گیت

**علی فلاحی - زهرا طیبی**  
گروه‌سیاست

رابرت مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران به دلیل کوتاهی او در نگهداری اسناد محرمانه معلق شده است. از آن زمان تاکنون هنوز مشخص نیست که آیا رابرت مالی به تیم مذاکره کننده آمریکا بازخواهد گشت یا اتفاق دیگری انتظار او را می‌کشد. نتیجه نهایی را باید تحقیقات نهاد‌های امنیتی آمریکا مشخص کند. امری که هنوز به سرانجام نرسیده و مقامات آمریکایی نیز از پرداختن به پرونده رابرت مالی طفره می‌روند. انتشارصحت‌یافتگی افشاگرانه از صحبت‌های رابرت مالی توسط روزنامه ایران تایمز این امید را برای برخی به وجود آورد که در سکوت خبری ساکنان کاخ سفید شاید بتوانند از مقامات ایرانی اطلاعاتی را دریافت کنند. در همین راستا نیز روز یکشنبه سخنگوی وزارت خارجه کشورمان در رابطه با محتوای فایل صوتی مورد سوال قرار

تقریباً یک ماه پیش بود که منابع خبری آمریکایی اعلام کردند مجوز صلاحیت امنیتی رابرت مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران به دلیل کوتاهی او در نگهداری اسناد محرمانه معلق شده است. از آن زمان تاکنون هنوز مشخص نیست که آیا رابرت مالی به تیم مذاکره کننده آمریکا بازخواهد گشت یا اتفاق دیگری انتظار او را می‌کشد. نتیجه نهایی را باید تحقیقات نهاد‌های امنیتی آمریکا مشخص کند. امری که هنوز به سرانجام نرسیده و مقامات آمریکایی نیز از پرداختن به پرونده رابرت مالی طفره می‌روند. انتشارصحت‌یافتگی افشاگرانه از صحبت‌های رابرت مالی توسط روزنامه ایران تایمز این امید را برای برخی به وجود آورد که در سکوت خبری ساکنان کاخ سفید شاید بتوانند از مقامات ایرانی اطلاعاتی را دریافت کنند. در همین راستا نیز روز یکشنبه سخنگوی وزارت خارجه کشورمان در رابطه با محتوای فایل صوتی مورد سوال قرار

گرفت. ناصر کنعانی در پاسخ به سوالات خبرنگاران در رابطه با رابرت مالی گفت: «اینکه مالی در این فایل صوتی چه گفته مسئولیت دولت آمریکا است که باید تبیین و روشن‌گری کند.» اگرچه کنعانی توضیح خاصی در مورد محتوای فایل نداد اما همان مقدار از صوت که توسط روزنامه ایران تایمز منتشر شده جنجال‌های زیادی را به راه انداخته است. مطابق صوت منتشر شده، رابرت مالی برای اعلام فشار بر ایران توصیف کرده و در این باره می‌گوید: «این نتیجه گیری ماست که توسط جامعه اطلاعاتی و اروپاییان هم حمایت می‌شود. مانعی توانیم از برجام عبور کنیم و تا ما به دنبال توافق بلندمدت‌تر و قوی‌تر هستیم، ایرانی‌ها این را نخواهند پذیرفت و به همان نحو رفتار چندساله‌شان ادامه خواهند داد. برنامه هسته‌ای‌شان را شتاب داده و شرارت‌های منطقه‌ای‌شان را به منظور تحت فشار قرار دادن ما ادامه خواهند داد. ما به محض بازگشت به توافق در نظر داریم با بهره گیری از ابزارهای گوناگون ایران را به خاطر حمایت از گروه‌های نیابتی، برنامه



## اتاقی که در آن همه چیز آشفته است

همدیگر سر می‌زنند و درباره هر چیزی صحبت می‌کنند. بی دلیل نیست که به گزارش رسانه‌های آمریکایی ترامپ بارها برای جلوگیری از انتشار این کتاب تلاش کرده بود و شورای امنیت ملی آمریکا معتقد بود این کتاب حاوی اطلاعات طبقه‌بندی شده امنیت ملی است و نباید منتشر شود. او در این کتاب به آشفتگی‌های دولت ترامپ حتی قبل از شکل گیری آن می‌پردازد. او درباره بی‌نظمی شدید در فرآیند انتقال قدرت می‌نویسد: «از لحاظ سازمانی نمی‌توان انکار کرد که دوره انتقال قدرت و سال نخست ریاست جمهوری ترامپ به شکل جبران ناپذیری نابود شد. فرآیندهایی که باید فوراً ملکه ذهن می‌شدند به‌ویژه برای بسیاری از مشاوران ترامپ که سابقه اجرایی حتی در پست‌های پایین را نداشتند، هرگز اتفاق نیفتاد. شخص ترامپ و بیشتر اعضای تیمش هرگز دستورالعمل‌ها و راهنماهای تهیه شده برای عوامل اجرایی دولت را نخواندند... من وارد چنین آشفته‌بازاری شدم و مشکلاتی را دیدم که می‌توانست در ۱۰۰ روز نخست دولت ترامپ یا حتی زودتر از آن، رفع و رجوع شود.» او وضعیت کاخ سفید را در اولین مواجهه‌ای که بعد از سال‌ها با آن داشته با عبارت «جنگ همه علیه همه» توصیف می‌کند و با ذکر عباراتی عجیب زندگی در کاخ سفید را این گونه روایت می‌کند: «روشن بود که تغییر دائمی کارکنان و مقامات کاخ سفید هیچ کمکی به بهبود اوضاع نمی‌کند و جنگ همه علیه همه، در کاخ سفید هم کمکی به پایان ماجرا نکرد. (اصطلاح لاتین جنگ همه علیه همه را از توماس هابز فیلسوف انگلیسی درباره خشونت و ستیزه‌جویی ذاتی بشر گرفته‌ام). شاید کمی اغراق آمیز باشد که بگویم توصیف هابز از ذات بشر به‌عنوان موجودی «منفرد، مفکوک، کثیف و وحشی و کقوله» به‌طور دقیق زندگی در کاخ سفید را توصیف می‌کرد، اما بسیاری از مشاوران کلیدی کاخ سفید در پایان دوران خدمت خود به کار برد چنین توصیفاتی گرایش پیدا می‌کردند.» او در ادامه توصیفاتش از آشفته‌گی‌ها در انتصابات ترامپ می‌نویسد: «روز ۲۳ نوامبر نیکی هیلی (فرماندار کارولینای جنوبی) سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد شد که در ره عضویت کابینه شمرده می‌شد. وقتی هنوز وزیر امور خارجه انتخاب نشده، این اقدام عجیب بود. هیلی صلاحیت آن شغل را نداشت، اما کسی که سواد ریاست جمهوری در سر دارد بی تردید می‌پسندد که در روزهای سابقه فعالیت سیاسی خارجی داشته باشد، از همه‌رده بودن یا نبودن با عضویت در کابینه که بگذریم، سببری که به سازمان ملل فرستاده می‌شود بخشی از وزارت خارجه است و برای سیاستگذاری خارجی منسجم باید یک و فقط یک وزیر خارجه داشته باشیم. ولی با ترامپ روبه‌رویم که مناصب پایین‌تر به‌تر در قلمرو وزارت خارجه را انتخاب می‌کرد بی‌آنکه دورنمای انتصاب وزیر خارجه‌ای در دست باشد. طبعاً ادامه مسیر آکنده از مشکلات بود.» مساله دخالت رئیس جمهور در امری که مستقیماً به وزیر امور خارجه مربوط می‌شوند و ناهماهنگی با وزیر خارجه ممکن است یکی از عوامل برکناری رابرت مالی باشد. این موارد تنها بخشی از خطرات بولتون درباره آشفته‌گی حاکم بر کاخ سفید و دخالت‌های رئیس جمهور در امور زردستان خود در زمان ترامپ بود. اتفاقی که بنابر شواهدی از جمله ماجرای انتصاب و برکناری رابرت مالی مختص دوران ترامپ نیست و گویی به بخشی از روح حاکم بر کاخ سفید تبدیل شده است.

## رسوایی بزرگ کنترا برای آمریکایی‌ها

لورفتن اطلاعات محرمانه آمریکایی‌ها که بهانه عزل رابرت مالی قرار گرفته، امری مسبوق به سابقه در سیستم مدیریتی کاخ سفید است. ماجرای مک‌فارلین نمونه دیگری از درز اطلاعات محرمانه است که مخاطبان ایرانی نیز با آن آشنایی دارند. جنگ ایران و عراق، اقدامات قذافی به تهران آمده بود که خواستار گفت‌وگو با مقامات عالی‌رتبه ایران بود، امری که البته آن‌طور که خواسته فارلین بود، اتفاق نیفتاد. هاشمی در خاطرات ۴ خرداد ۶۵ در شرح این ماجرا نوشت: «آقایان محسن کنگرلو و احمد وحیدی مسئول اطلاعات سپاه آمدند. گزارش وضع هیات آمریکایی را دادند. یک چهارم قطعات هاک درخواستی را آورده‌اند. آقای مک‌فارلین مشاور ویژه ریگان و شخصیت‌های حساس دیگر آمریکا، در هیات‌اند. برای سران کشور ما کلت و شیری هدی آورده‌اند و خواهان ملاقات با سران هستند. قرار شده هدیه را نپذیریم و ملاقات ندهیم و مذاکره را در سطح دکتر هادی، روحانی و مهدی نژاد مخفی نگه داریم...» آمریکایی‌ها البته بعد از پنج روز حضورشان در ایران در حالی که نتوانستند با مقامات عالی‌رتبه ایران مذاکره مستقیم داشته باشند و به این دلیل که تجهیزات مورد نیاز را به ایران تحویل ندادند، به واشنگتن برگشتند. درباره آنچه در مذاکرات مقامات ایران با مک‌فارلین اتفاق افتاده و صحبت‌هایی که رد و بدل شده اما روایت دقیق و شفافی از سوی مقامات ایرانی ارائه نشده است. این مذاکرات و سفر پنهانی مک‌فارلین در ۱۱ آبان سال ۶۵ توسط روزنامه لبنانی الشراع منتشر می‌شود. سیمور هرش، روزنامه‌نگار آمریکایی اما درباره اینکه چه کسی خبر این سفر و مذاکرات را منتشر کرده، از قول افسری از او نامش را فاش نکرده، نوشت: «اولیور نورث، دیک سکورد و مخالفان ایرانی و افراد پول‌دار در تگزاس را به این طرح آورد و این ماجرا کاملاً از کنترل خارج شده بود. ما به‌شدت عصبانی بودیم. به این نتیجه رسیدیم که اگر این را با دقت مدیریت نکنیم، کل ساختار ما از هم می‌پاشد، بنابراین ما (اعضای سابق تیم مرو که هنوز برای بوش کار می‌کردند) این داستان را به مجله‌ای در لبنان رساندیم.» منظور او از طرح همان ماجرای فروش تسلیحات به ایران بود و پرداخت پول آن به مخالفان نیکارا گوئنه‌ای بود. البته او این را نیز گفته بود که می‌دانستیم این موضوع با واکنش جهانی گسترده همراه خواهد شد. انتشار خبر سفر مک‌فارلین به ایران برای دولت ریگان آنقدر گران تمام شد که او علی‌رغم اینکه توسط مک‌فارلین در طول مذاکرات در جریان جزئیات قرار می‌گرفت، اعلام کرد که از این مذاکرات اطلاعی نداشته است. بعد از افشای این ماجرا اما برخی اعضای دولت ریگان از جمله مک‌فارلین به‌خاطر انجام این اقدامات محاکمه شدند. لورفتن ماجرای مک‌فارلین آن هم توسط خود اعضای کاخ سفید رسوایی بزرگی برای آمریکایی‌ها به همراه آورد. رابرت مک‌فارلین به دلیل انجام این اقدامات به دو سال تعلیق تحت نظر محکوم و این ماجرا منجر به پایان حیات سیاسی او شد. اولیور نورث نیز به‌خاطر نقش داشتن در این ماجرا به حبس تعلیقی و پرداخت جریمه نقدی محکوم شد، برخی از این احکام البته با ورود بوش (پدر) معاون ریگان به‌عنوان رئیس جمهور آمریکا به کاخ سفید لغو شد.

رسانه‌های غربی مدعی هستند مالی متهم به کوتاهی در نگهداری اسناد محرمانه است و از همین روز نیز صلاحیت مجوزهای امنیتی‌اش تعلیق و او به مرتضی بدون حقوق فرستاده‌شد است. روزنامه انگلیسی زبان «تهران تایمز» نیز که صورت رابرت مالی را منتشر کرده در گزارشی درباره چرایی برکناری رابرت مالی، گذرا به جلسات مالی با «ایرانی‌ها» پرداخته؛ «ردپای آنان را طی سال‌های اخیر می‌توان در دیپلماسی واشنگتن در قبال تهران، به‌طور آشکار دید.» این روزنامه احتمال داده است که «شاید رابرت مالی در ارتباط با این افراد و صحبت‌های ردوبدل شده بین آنها، اصول حفاظتی را رعایت نکرده و نکاتی را مطرح کرده که اجازه طرح آنها را نداشته است.» آنچه ایران تایمز در مورد عدم رعایت اصول حفاظتی بین رابرت مالی و ایرانیان حاضر در تیم دیپلماسی آمریکا مدعی شده است با یک گزاره دیگر پرتگ می‌شود. «اواخر خردادماه ارسال علی واعظ، عضو گروه بین‌المللی بحران و از نزدیکان مالی در نزدیکی توییتی به تحلیل محتوای مذاکرات بین ایران و آمریکا پرداخته بود. محمد مرتدی، استاد دانشگاه تهران که به‌عنوان مشاور رسانه‌ای تیم مذاکره کننده ایران شناخته می‌شود در واکنش به این رشته‌توییت صحبت از عزل علی واعظ به میان آورد و در این باره گفت: «تحلیل‌های شخصی را نباید به‌عنوان خبر ارائه کرد. از این رشته توییت مشخص می‌شود که نویسنده نسبت به موضوع بی‌اطلاع است و می‌شود نتیجه گرفت که ایشان دیگر عضو تیم آمریکا نیستند.» ابهامات در مورد این ماجرا و حمایت وزارت خارجه آمریکا از رابرت مالی احتمالات دیگری در مورد چرایی توییت او را نیز مطرح می‌کند. مطابق آنچه یک منبع آگاه به «ریختگان» گفته و پیش از این در گزارشی با عنوان «رابرت مالی در دبی دنبال چه بود»

## سناریوهای پشت‌صحنه عزل رابرت مالی

به این پرداخته شده، علت تعلیق مجوز امنیتی رابرت مالی به دلیل مذاکرات محرمانه‌ای است که وی در دبی با طرف ایرانی داشته است. آن‌طور که این منبع آگاه گفته، مالی در دوباره متفاوت، دو دیدار با یکی از اساتید دانشگاه تهران داشته است. این منبع از جزئیات مذاکرات سخنی نگفت اما مدعی است که در جریان مذاکرات، پیش‌سرفتهایی نیز حاصل شده و طرفین به نتایجی دست پیدا کرده‌اند اما به‌یکباره و بدون اعلام قبلی مذاکرات متوقف می‌شود. مشابه چنین اتفاقی یک بار دیگر برای او افتاده بود. مالی سال ۲۰۰۸ مشاور غیررسمی کمپنی ریاست جمهوری باراک اوباما بود اما ناچار شد از این سمت استعفا دهد زیرا معلوم شد او با اعضای گروه حماس در حین کار برای گروه بین‌المللی بحران ملاقات کرده است. این بار او با موافقت شخص بایدن با این مذاکرات و اطلاع وی از روند مذاکرات محرمانه، پای میز مذاکره آمده بود. مالی حتی چندین گفت‌وگوی رودررو با امیر سعید ابروانی، سفیر ایران در سازمان ملل متحد داشته و در این زمینه به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافته بود. مشخص نیست چه اتفاقی در آمریکا افتاده که علاوه بر توقف مذاکرات، مهره اصلی مذاکره کننده این کشور نیز به مسلخ برده می‌شود. تلاش برای پایان برجام احتمال دیگری است که نمی‌شود را نادیده گرفت. یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف برجام این بود که ایران ابتدا باید تعهدات خود را انجام می‌داد و سپس به انتظار اقدامات طرف مقابل می‌نشست. به مرور

با فرا رسیدن موعد بندهای غروب زمان بهره‌برداری ایران از برجام رسیده است. اگرچه طرف‌های غربی سعی می‌کنند با اعمال تحریم‌هایی بهره‌وری بندهای غروب را محدود کنند اما از آنجایی که بندهای غروب برجام شامل معافیت‌های تحریمی سازمان ملل می‌شود رسیدن موعد آنها باعث می‌شود تا تحریم‌های ضدایرانی مشروعیت بین‌المللی خود را از دست بدهند. اگرچه آمریکا و اروپا ممکن است به‌طور یکجانبه این تحریم‌ها را تداوم دهند اما ایران در سایه معافیت‌های بین‌المللی می‌تواند با سایر کشورهای که تابع محض غرب نیستند مرادبه تجاری داشته و آن را گسترش دهند. طرف‌های غربی با هدف جلوگیری از این نتایج به دنبال این هستند تا ضمن لغو برجام توافق گسترده‌تر دیگری را به ایران تحمیل کنند؛ امری که قابل لورفته از صحبت‌های رابرت مالی نشان می‌دهد نماینده ویژه آمریکا در امور ایران آن را تحقق ناپذیر دانسته و با توجه به مقاومت ایران این راه را پیشنهاد می‌دهد که آمریکا ضمن بازگشت به برجام مسیر فشار علیه ایران را تداوم دهد، در غیر این صورت واشنگتن باید منتظر اقدامات شدیدتر ایران باشد. از آنجایی که صورت رابرت مالی بدون ارائه هیچ ایده‌ای واشنگتن را در اعمال فشار به ایران از طریق برجام توسعه می‌کند برخی از چهره‌های داخلی منتقد به برجام این صحبت‌ها را نشانه حساسیت محض بودن این توافق دانسته و به خروج از آن توصیه می‌کنند. این امر دقیقاً مطابق با خواسته طرف آمریکایی است که در مسیر تحمیل یک توافق دیگر